

زیارت جمال عظیم المثل بودند شکرانه وصول باین نعمت عظمی با وجود مشکل
ما فوق آن تصور نیست بترانه دعای ذات قدس معلی شود و سرچشمه اعلی
آنحضرت شاه شاه زمین باز آید تا خانه حاجی میرزا برسم مجتهد تشریف برد
و در آنجا نزول بعد از سه روز در جناب حاجی و علمای بلد که در درب خانه
نمودند نشستند و یکمال دست افتاد و بواز آمدند بیانی قدم کردند و چو در
دعا گفتند و آنحضرت قدس بایونی از آنجا آنجا جناب حاجی طایفه
تشریف فرما گشته حالت درویشی و اثاث البیت مختصر و خانه محقر جناب
حاجی که تمام بانی آن مختصر بانی آن رخت و حل بود در خاطر مشکوینت بسیار
بسیار پسندیده آمد و پسران جناب ایشان که آنجا تامل و رفت از پیشانی
حکمت را مریه قبول خاطر محبت اثر آمد و مورد احسان و تشویق شدند از خلق
و بچو و تحقیقت نیکوئی جناب حاجی مایه آن شد که خدمت شاهنشاهی علما و
مردم معموله در خانه ایشان توقف فرمود و در پنجاهم برخواستن اظهار
از غایت کرد و در جناب حاجی سیب با پیشم کردین خدمت طلب سجا از آنجا
خاتمه البیت کرده بانیست خاص و نهایت ندانم بدان بدعا و شای وجود

کشوند سرکارهای یونی از دروازه نیشابور بیرون تشریف برده پس به سال
اعظم و حیدرقلی خان ایلمانی و زبانش کنان روان شده و سواره خراسانی و غنچه
و آن سحر باشا و شاهی تمام صفت و در نظر آنو بهایونی جلوه گر آمد و چون
بنابر رسم خود ترک زیاده و سببان داشتند و همچنین نایب محترمت مسیوان
و زبانش و تازی بود و امرهای یونی شرف نفاذ یافت که از جانب دیوان
برده نقد سوار یکمشت با کشت و بند تا اسبان ایشان بیکبار و در تعجب
دشمن بی جنبه باشند پس از سان سوار شایسته کامکار بکالک تشریف فرما
مسافری بعد که از راه بی شده بی بالار از باطیه پوشیده در طرف چپ
بجهت صرف بخار فرو و آمدند و اندک غذائی میل فرموده سوار شدند و با یک
درین سحر به نوع سخا از جو برده و آب و بسیار بود بواسطه گرمی هوا صرف نظر
از رسید ایشان و بوده و تحویل بول منزل کرده و بجاغت بغروب مانده
باردوی بهایون نزول جمال فرمودند

از سبزه و الی و غذائی شش فرسنگ است و در مشرق و بعد با جلد و پنج
و گیاه آن تمام فایده و سبزه و اسل اسوس یعنی شیرین بیان است

جبال شمالی و دفرنگسک از راه فاصله دارد ولی فاصله جبال جنوبی نزدیک
زیاد میشود تا بنظر مسافت ده فرنگسکی آید و این راه آبادی بسیار
واقع در آن زمین قرار است نسبت راست با ده ضلع آباد و علی
سیر از همین دیده و نقشه علی حاجی محمد رضا میستونی با خان
علی حاجی فرزند خان یوزباشی آرا و منجیر علی حاجی میرزا ابراهیم
و سایر نزل آباد علی حاجی محمد رضا زیاده آباد و کنت الضیاء
خانیس است یسا و ده حاجی میرزا ابراهیم زیاده سیر پوشیده
کنت یسا و ششم آباد حاجی شمس نسبت به باد و دوتیر
بشره همونند فاصله می باشد از شهر شاهرود و دیگری خوب است
تمام این فرسودگی است فاصله است از زیاده بیست و پنج فرسنگ و
این نخل و زیتون بسیار است و در آنجا بستان و کوچه است و در بزرگ
ازین بستان بستان و نخل بسیار است و بستان بسیار است و کوه
کوه است و شکر است بسیار است و در آنجا بستان و کوچه است
و در آنجا بستان و نخل بسیار است و در آنجا بستان و کوچه است

که بالمره منهدم و مخروبه شده و از او جز آثاری باقی نیست و آنچه امروز بر پای
از عفرانی مشهور است باطلی است که بموجب مراقبتس همایون شاهنشاهی
حاجی مصطفی قلچیان نوری در ایام حکومت سیر و از بنا نهاده و بستورانند
ازین بنای عالی که مقابل بهترین بنای سلاطین صفویه است باقی است
و انشاء الله باقی نیندازد اما سال است تمام خوابیدافت و در بنیان بنا
چاپارخانه دولتی و مهمانخانه و آب انبار و پنجالی است که نواب حسام
زمان فرمانفرمانی مملکت خراسان بنا نهاده اند و در جمیع وقت خاصه
تابستان زوار و قوافل محل راحت و امان است

چهارشنبه دویم شهر صفر المظفر تشریف فرما فی خمر و عدا
پرور از عفرانی بزمان آباد

درین روز اول طلوع فجر که سه ساعت بدسته مانده بود شاهنشاهی و خاندان
از بستر راحت برخاسته و دو ساعت بدسته مانده بکالکد مبارک نشستند
سپهسالار اعظم را کنایه کالکد طلعه مشغول صحبت شریفه و منصفه از و یاد
میل خاطر مبارک را در آبادی خراسان و امثالهم امور آن سامان بیان میفرمودند

دست چهره سلیمانی کلا ترمید دره سطراره اول قلعه سنه

کلید راست و او قلعه است که در دامنه واقع و در دولت شاهنشاهی

ساخته شده و بقدره غیر شکست و چند خانوار و قلیل راهتی دارد و جوی

فناک فیما بورد و سبز و است بعد از آن شویاست که منزلگاه کاروان

و سی پهل خانوار رعیت و چند قطعه باغ و چاه دارد

تحت جنوبی تا اول جلگه فیما بورد و سی نیست در اول جلگه بلوکات فیما بورد

که در موقع خوردن کور و خوابیم داشت زمان آباد و **و شده**

و و قریه اند سر و بالا تر واقع است بقا سبک میدان و جو موقوفات

حضرت فیض آما است زمان آبادی محققه آباد و چند ستم است

و در محقق باقی محقق تا بعد از آن مالک ستم اخیرا بنا با سلطان است

روز پنجشنبه سوم شهر صفر شریف فرمالی شاهنشاهی

مؤید و مظفر بیاحت فیما بورد

علی الشبان که خسر و کیستی نورد و خاوری علم بر کو بهاران نزد شاهنشاهی

و نوشروان نشان ^{و خان} عدالت میان چون سبج اسید واران از افسر سر پرده پیاپی

طالع گشته و بکالسه مبارکه جلوس فرمودند نسیم همتراز بر پرچم شوکت و اعزاز
و زین گرفت و تختک سواران در جلگه نیشابور در تپا پوی آمد دماغها از هوا
روح افزای این جلگه تر شد و رحمت کرد و بخار و هوای خشک و حار است
سنازل از خاطر ناموشت و سه و سنکی شهر چمنی نیکو و صحرانی دلجو منظر
خسروانی گشته از برای صرف بخار و آبخا فرو دادند درین وقت شبنم و تریخ
هوای بارانی سخت و شد تبدیل یافت و سوکب مسعود زود تر از نسیم معروف در
شد که بر سنگ به منزل نماند علماء و اعیان و اجله دارگان شهر زیارت رکاب
قمر اشاب تشرف جست و در الطاف خسروانی گشته

اعلی حضرت شایسته سپهسالار اعظم را مخاطب فرموده از آبادی و هوا و
صفای جلگه نیشابور فرمایش فرمودند حاجی سلیمان خان حاکم قرا و مزایع را
در خاکپای همایون معرفی نمود و از جمال و معادن فیروزه معروض شد
از جلگه کوه پر بر فی را در بالای سر نیشابور نشان داده معروض داشت که در او
چشمه است معروف بچشمه سبز و او چشمه است که در فضائی وسیع مانند دریای
واقع شده و آبی زیاده از چهار سنگ از میان دریاچه جوشش نمود

هم در خود آن فرو میرود و در حوالی آن سکارا یکی سکو و چمن زار می پس لحد
خاطرهای یونی مایل سیاحت شمرگشته و از مسافت آن تحقیق فرمودند چون یاد
از شش فرسنگ هر دو شام و محنت بعد راه قرار سیاحت و تفریح آن مکان
بهنگام مراجعت مرکب بمایون از راه قلعه کان که بهم بر آن سالن اقرب است
مقرر داشتند بالاخره چون سواد شهر پیدا گشت مایل بعد از مردود خود
و بزرگ که بعد از شش پیرین و از آن بخت فیروزه بخواسند در غیر مرکب فیروزه
ازین فکشیه دیدن مایست و بدو ضعف هر یک زبان بدعای و جود
مستند و اقبالی است به و بدست از نه و نه خواست آمدند سرکار
بمایون طالب المانی ازین قلعه جویس بود و به سمت غربی شهر باغ فیوان
که فی الحقیقه اینست نشان میداد و این نامی مایور دینی ان میا بود و فی است
نزول بطلال فیه بودند شایع سیاحتی ان حاکم تشریف قدم مبارک
بمایون ازین فکشیه و شایع شمیری و در پات و غیره پیشکشهای شایسته تقدیم
مقربان در بار گردان شنباه و سرن سپاه هر یک بنایان خود میشدند
و حضرت شایسته بی تحسین بودند نسبی مدعای مایور می شد و سخت بودید

و سرکار بهایونی از سر پرده بهارست پامین باغ تشریف فرما شدند حاجی
میرزا علی مشکوة الملک که حامل خلعت شایسته بنزاده افخم جلالت الدوله و کرامت
اعظم بود و قبل از حرکت ردوی بهایون بشیعه مقدس مشرف گشته درینجا
بقتبیه بوسی آستان علی تشریف جسته و از اطفال بی نیایات شایسته
کامیاب و مهابی گردید شب بعد از شام قویق سبکت حکیمباشی طرزان
و سایر خواص و مقرران بخت و بهارک مشرفیاب شدند ساعتی حکیمباشی
از روزنامه های فرانکستان معروض میداشت و حضرت شایسته بلفظ
شریف مبارک ترجمه میفرمودند و حاضرین جمیع متعجب بودند که سرکار
پادشاهی چگونه بمرحمت نعمت بسیار و اشتغال بسیار در نیت قلیل بدین
زبان غریب آشنایان شده اند و بدین سهولت مطالب مشکله یا ترجمه می فرستند
بعد از آنکه مرده نامه با مقتضای اشاعت و سبکی و اربابان طرب خاص چون
آقا علی و حاجی عکرم و آقا صادق و آقا غلام حسین حضار بزم حضور شده
ساعتی تغنی نموده و از آوازهای خوش سازهای دلکش خاطر مبارک را مسرور
داشتند و بنحویت شد و سرکار شایسته با آرمگاه تشریف برده براحت مشغول گشتند

از زمان آبادی شیا بوی چو مار فرسنگهاست و راه شمال مغربی و تمام ملک
از قلع بلوک عشق آباد و قرار بلوک تحت جنگ آباد و هموار است جنگ شیا بوی
که بحسب هوا و مکانیت و عواصم و انهار و اشجار و نباتات و فضائیت هر
و مشهور آفاق است از سمت خاصه شمالی بحال سبز بخت و دشت
و در قلع بحال شمالی که از همه ارتفاعات بسیار است و فی الحقیقه روح
وارد که دیکتر به می دیده شده است چنانچه دیکت متعین و شعاعی سلف
روح جنگ شیا بوی و کور و غیب و طاعت چنان شیا بوی و دشت و سبز
و غیره بسیار و در دشت و عواصم و فی الحقیقه که کوی و دشت و روح شیا بوی و دشت
یاقت نشود این معادن و بحال شمالی و عواصم و کوی و دشت و روح شیا بوی و دشت
سود و دشت و سبز است که در دشت و عواصم و کوی و دشت و روح شیا بوی و دشت
از خود و دشت و سبز و دشت و عواصم و کوی و دشت و روح شیا بوی و دشت
کمان قاز و کب و دشت و عواصم و کوی و دشت و روح شیا بوی و دشت
و قایل به نوع محمول است و دشت و عواصم و کوی و دشت و روح شیا بوی و دشت
آن معادن و سبز است که در دشت و عواصم و کوی و دشت و روح شیا بوی و دشت

نیز بت سالاری و شاه بخش و خاک زما شیر و ترشیر و آرمست شمالی و بتبر و لا

قوچان و سلطان آباد ایالت میثاق و چند بوکت که اسامی آنها بدینجست

طغان کوه آرتیقانی بآرمعدن تحت جلگه ریوندر

در رب قاضی آزدقش ماژول زبرخان محسن آباد

بار و تحت بندک مار و سکن باغ رضوان که مخیم خیام کیوان

مقام بود باغی است در نهایت خوش طعمی و حوض و صفای شالی بر خیابانهای متعدد

و چند حوض و جداول و انهار و گلستان و اشجار و دریا و دریا و عمارت است

و ابتدای باغ که بالا خانه سردر و اوطاقهای تختانی و فوقانی دارد و دیگر

در اشعای باغ واقع است که او را سالاری و دوا طاق جنبین است از جمله

پنیرها که بر صفای این باغ افزوده و کمتر جانی دیده شده است و وضع عرس

رزما می آست و آن بدین قسم است که زمین باغ را مرتبه مرتبه مسطح کرده و بناها

و را و قرار داده اند و از طرفین بناها دیوار کشیده اند و پشت دیوار را

بطور پشت مایه مالیده ساخته و درخت نمور بطوری کاشته اند که تمام

سطح منتهی دیوار گرفته و شاخهای آن از سوراخها که در دیوار کرده اند پیرون

آمده روی دیوار را پوشانیده و بهین پنج تمام مراتب یک پارچه منظر

می آید و زیاده از حد بر صفای باغ افزوده است

جمعه چهارم ششم صفر و دوم توقف حضرت شایسته

بسم الله تعالی علی حضرت قدس بنایون شایسته بی و اول سیح و نه

انساط و خرمی سوار گشت بقصد تفریح اطراف شهر بخار سوار بی فرمودند

بر نیامد که میوایست سر شده و بارانی شد برودت و طوبیت هوا فرو

و حضرت شایسته و قسطنطینیت فرموده بهایت آخر باغ تشریف آورده

مطالع غرایض و نوشتجات و زیاده تماشای ساعت از روز زیاده و باران

بایست و دیوار نهایت معتدل و قسطنطین سوار بی گشت پس بر آب عتضا و الد

سوار و با این خلوت و صاحب الدوله و بهی از چاکران زکنا را رد و باز گشت

و بهی از کوچه باغهای میثا بود عبور فرموده و فری که موسوم است بر

و در دامنه کوه شمالی واقع منظر با کشتی برای نهانی میرکای سلطان

حسین میرزای سپهر پرویز میرزا بدان سوی تشریف فرما شدند و دکن چشمه کوه

که چشم اندازی نیکو داشت و شرف سبک و شور بود و پیاده شدند و تا بنجام

در آنگاه که شرب و آشوب یکجا است بدوستانه بقره میروند و دیگر

به یکدیگر شربت میخورند و معاودت میسران فرمودند

برف ریخته و ایت که سه چهارم نوازیش دارد و در سمت مغربی آن

مردم پیش او بحسن است که میرقطیب و بزرگان عرفاست و بفرموده

برصد خانوار رعیت و با صاحب دار و امانت جمیع اراکانات

که از سوابق هم در یکی ندیدند و ند

شعبه چهارم در وقت شمشاد و عدالت کسوف و شهاب

درین روز پنجم در ساعت ششم و پنج دقیقه بعد از ظهر

و دو ساعت و ده دقیقه در زمان است و در میان بوسه و بخت

سلطنت و بوسه و بخت و در میان است و در میان است و در میان

حاکم و نوایان است و در میان است و در میان است و در میان

ساخته از خانه و در میان است و در میان است و در میان

و دستگیر و در میان است و در میان است و در میان

خوبی و مسترد و در میان است و در میان است و در میان

فیثور و نصیب آبادی و موسمی معنی است غراسان و رفاه رعیت و امنیت انسان

فرايشات لوكا : يقودونه

تعلیم فیہ خیرا باسمہ بیک حضرت شیخ ابی علی بن عبد الوہاب رحمہ اللہ

وَأَكْثَرُ خَفِيتٍ وَثَمَّ مَثَلٌ مِمَّا لَكَ إِذَا نَشَأْتَ مُنَوَّدٌ سَلَامِيًّا نَزِيفًا نَضْرًا

یا فہم و پس از اینجہ در مسئلہ مراقباتی و عدمی نیشابور از حدیث شریف و تفسیر و احادیث

ممود ووردی طیف والی ف شایستگی شش

بنام بریمه پیرمانده و عیسی که پیش از او است و پیری و کسب ثواب قیامی و پیری

سرفراز و شاد گشت انیسرستی نایبانی بسی وینهایت عیال و زیبا

که از هر جهت محال قیام را داشت همیشه و از خود هر طور بنای یک گذرانید و در نظر

ملک شریف ندید و قبول فرمود و ایام حضرت شهریار می بقیه روز را بصلوات

حق به پیچیدگی، خوب در با یکدیگر و با اساس کند اینند

روز بیستم شهر صفر و پنجم تو قضاوت مبارک و میثابو

پینچا مہینہ سالہ انہی و اعانتا والدولہ و امین الممکت و سیر انصرا

سستی و بختیاریها را ختم کرده و فقر گشت که در چادر و ایشوای کبری

مجمع کشته بحساب میرزا مسیح پیشکار مملکت نازندان غور رسمی نموده حقیقت آنرا
بعضی برسانند سردار تاج محمد خان و محمد علی خان شوری و کهن دلخانان
بخصوص بامیرالنور مشرف شده و از تفهات ملوکانه امیدوار و بجهت کشتن
و چون امروز تفرج شهر و سیاحت اطراف منظور نظر خسروانی بود از عمارت
سبب که بیرون آمده با وزراء درباری و سایر خدام حضرت شهبازی بسیار
توجیه فرمودند و اولاً تشریف فرمای مسجد علی گرنی که مسجد عالی میان و از آن
زمان قدیم است شده علماء و ابله بلد که اسامی ایشان بدین موجب
تشریف وجود مبارک را در مسجد پذیره کشید جناب ملا صادق
حاجی ملا ابوالقاسم امام جمعه میرزا ابوالقاسم قاضی ملا یاسر محمد
حاجی ملا حسین شمس العلماء شیخ عبدالغفور ملا روح الامین شیخ الاسلام
ملا عبدالحسین ملا محمد رضا ملا موسی ملا محمد باقر ملا آقا بابای خطیب
ملا غلامرضا میثماز آقا سید اسماعیل محض الله حاجی ملا محمد تقی و اعطاء
آقا سید اسماعیل میثماز سرکار آقا شمس شهبازی بعد از اظهار ملا طفت و مهر
سبب با علماء و حکم تعمیر مسجد و مراقبت در عمل موقوفات آن و محافظت در حق

آدرس و چهار قوی انجمن که علامت قدمت مسجد است بیازار شهر تفرج
آورده از چهار سوق و بعضی محلات بخارج قلعه کشیده و بقصد تفرج و
خوشنجان که قصبه مشهوره و در نهایت خوش بو و با صفات توجیه
بعد از طی یکسره سنگی نیم قصبه منور و وارد شده مسجد رعیتی آن قریه که
از بناهای معروف و نفیسی است و ثیابانها و درختان چهار بسیار
و باغات و اشجار و اینها قریه بطر مبارک رسیده و از آنجا که شتد قرا
پوچ آباد و حصار که بواسطه نهایت بیلافت وارد و عبور فرموده
دره که شستل بر رود آب چشمه ساری جاری و درختان و باغات
پیاده شدند و اندکی از میوه های آن باغات خانه کیلاس و کوب و غیره
که بحال میازاد داشت شاول فرموده زیادت و بیاعت و صف و هوا
و ره زیاده از حد و صف و نظر انور دیده که آید به تمام حصار و آن بایک
بماند شکار چیان خراسانی گیران میش کوبی سیه کرده و بکنه و آورده
سور و انعام و احسان کشته و مرد و داشت که در قلل این جبال شکار و
بسیار است و لیکن سرکار شاه بواسطه بعد از میل بصدای فکلی نفرمود

و محقق است که بنحوی که بخواهد کتاب روضه الصفا و ذکر احوالات
آمین رضا من علیه السلام خاطر مبارک را مشغول دارد با جمله آثار سلف درین
دوره سدی است غریب که از یکت ساخته شده عرضا قریشی شریع
و ارتقا عاظمی بنا چاه ذریع و ازین سده خیر که باقی است و وسعت رودخانه است
که ارتفاع و وسعت اینچنین و پاچه عظیم است که از سد در میان رودخانه افتاد
و معدوم میکند که بنای سده قدی سخت و محکم بوده از اینجا آشکار میگردد
که این محکم که امروز در فرنگستان باریک و آب میازند و سخی آنهاست
نسب است در سوابق ایام نیز در مملکت ایران شایع بوده و برورده و
ستروک است خلاصه ساعت بغروب بانه سرکار پادشاهی باب
که احمد خانی سوار شده و بطرف منزل عطف عثمان فرمودند درین راه شخصی
قوی جبهه و سپاه چرده دست خلعی در دست گرفته بی محابا و متورانه بطرف
دویدن گرفت بهر قدر فراتان و سواران نوبت شد و ازین حرکت منع
یا سبب و دیدن اعلام سازند هیچ قسم حرفی نیکفت و برین جبارت میفرود
تا عاقبت و تکیه برش نمودند ولی چون وقت دو منظورش معلوم گشت مقتضای

مقرر شد که سه روز آن سامان طلاق کنند

از نیشابور بقعه مکاره بنفست که راه مسطح و شرقی و معمور است و قراولان

در همین و سیاه جاده از آنجا است سمت راست جاده ده ^{لیک} ^{لیک}

و در سمت راست این قریه معموره بدین اسم بدان سبب است که در زمان سلف

چند خانوار از طایفه لکریه فقشار کوچ داده و در آن مسکن متوطن شدند

شاه آبا و اینها سعد آباد مکی ماموسی ابو سعید

اینها عشرت آباد مکی شمس العلماء عباس آباد و آردوش

که محل سکنا ی ایر و اینجای نادری است برج دولت آباد

مکی محمد ولیخان سردار معموری خالصه دیوان اعلی

سمت چپ جاده تقی آباد ایر و اینها خسرو مکی مصطفی قلینان

خسرو شهید علیخان آوک دشت پور مهران

پیش فروش محمد ولیخان سردار قدسگاه در دامن

کوهی واقع است که از نیشابور راسته دارد الی مشهد مقدس ^{بجای}

غبارت از بقعه کوچکی است از نیشابور صغویه رفته اند علیهم السلام

عالی دارد و تمام آنرا با کاشی منقش بسیار غنی زینت داده اند و در دیوار

این بقعه تخت سنگی بنا بر بنصب نموده اند که بر آن نقش پا می جای گرفته است

و مردم آنرا جای پای مبارک حضرت امیر مومنان علیه السلام یا حضرت

رضوی صلوات الله علیه میدانند و از اعزاف برای آن مقدم مبارک

تحصیل سعادت مینمایند و در سمت شرقی این بقعه چشمه است که از پهل

که از قرار مشهور بحضرت امام ثامن صلوات الله و سلامه علیه منسوبست و بنا

بر معروف از این دست منجر اثر آنحضرت جاری شده است و عابرین

وزوار و قوافل از آب آن استشفای حاصل می کنند و در منبع و منجر چشمه

چهار صنف سقف بنا کرده اند که دوسه بله پائین میفرود و از آنجا حوض کوچکی است

که آبی در نهایت صاف و گوارا از جنب آن پروان آمده و داخل حوض شده

و از آنجا باغ و صحرای می رود باغ قدیمگاه متصل بقعه و کنسبت باغی است

وسیع مشتمل بر مراتب چند و حوضها و جداول و آبشارها که تمام آنرا با آجر و کج

بنا نموده اند و در میان قوی قدیم کون ناصه در خیابان بطول خارج باغ

که اگر چه اکثر اشجار آنرا برود ایام گذشته و بریده اند ولی هنوز بعضی درختان

کاج او باقی است که زیاده از پنج ذرع و شش ذرع قطردارد و از ازمنه قد
 نرسیده و چون درین آثار بزرگ انکسب و باغ و خیابان خرابی بسیار
 یافته بود سرکار بیابون شایسته ای تا که است بطبع و تعمیر آن فرموده و مقرو
 که بزودی تمام آنرا تعمیر کنند و پامین باغ و اول خیابان کاروانسرای
 بزرگ عالی زینبای می و فویه باقی و دایر است و در مقابل آن در عیش شایسته
 جمیله چایخانه بنا کرده اند که عمارت فوقانی مختص بار و حی دارد و قصبه
 قدیمگاه بالایی تپه واقع است و قریب پنجاه خانوار صیت دارد که اکثر آن
 سادات هستند از قدیمگاه شیشه شیشه مقدس دور است که بی راه دور
 که از میان دره در رود و گلستان و ترقیه تیر و و راه سیاق و سایه و است
 ولی عبور کالسکه و عراده و سخت بواسطه گردنه و صیت و جلته میانی که در او
 امکان ندارد و گیری راه و حمل طرق و دیر آباد است که این و کریمه است
 ولی چون راه آنرا ساخته اند و خاصه مسان سپه سالار اعظم تعمیر نموده و کالسکه
 و عراده میتواند از او عبور نماید و میردانی قوافل و زوار است

و چهارشنبه هم شصت و هفت اردوی یاد بی در قدیمگاه

شاهنشاهی کیستی پناه خدایتعالی و دولتتعالی درین روز بکام صبح بقصد تفریح و
سیاحت در رود رود توجه فرمودند و اعتضاد الدوله و دبیرالملک و امینالملک
و امین خلوت و میرزا نصرالله مستوفی و میرزا علی خان قشقی خاصه حضور
و حاجی محمد حسن خان و علی خان کرچی مشیخته مستقرم رکاب حضرت انست
شدند و راه رود رود که حضرت شاهنشاهی از کالسکه نیز آمده بر سوار
شدند محمد نیا بر خان در رود می که از جمله بنجا و صاحبان قریه در رود شش و شصت
و کنت است با تمام رعایا بنجا کپای مبارک مشرف آمده از زیارت رکاب
سیمت امشابت محو و مبارک گشت از میان دره در رود و خانه جاریست
که زیاده از هیئت شکست دارد و سرکار بایونی رشته رود را محل عبور قرار داد
بیا لاروان شدند و بعد از طی اندک مسافتی قضائی با صفا و حضرت بی امشابت
بنظر مبارک جلوه گر آمده بجهت میل نهار نزول اجلال فرمودند و اعتضاد الدوله
و دبیرالملک و امینالملک و میرزا نصرالله مستوفی و میرزا امیر و وزیران
بجهت امام محی سببه التملک بجنود مبارک احضار شده میرزا نصرالله کتایب
حسب بر از لحاظ انور کد را بنده و سایرین نیز اطاعات خود را در آفتاب معروض
شدند

و پیشتر آنند و در نهایت سیاست و تدبیر می کنند

که در نزد و در و در نهایت کلی بگردند و کوه البرز دارد و کوهها
آن بمانند و کوههای شکر آب البرز است و حتی کل و کیا پی که در آن نشو و نما
چون کوهها و بناات آن کوه عظیم است و در آنهای این گردند که سمت خارج
سراسیمه میشود بلکه شهر مشهور و خود شهر آبادیهای گلستان و با قریع و شانه
حتی تپال کلات است و پیوسته است و در آن سمت گردند و انحرافی
کوچکی است که اطراف و نواحی آن در کمال تضارست و فراغت و بداعت

الحق در ایام تابستان عبور از این راه بر طبق شریف آباد ترجیح دارد

روز جمعه یازدهم شمس صفر شریف فرمانی مرکب
حضرت اثر شاهنشاهی بمنزل دیر آباد

درین روز هنگام عصر بیستم معهود تسلای کوچ دادند و مرکب مسعودی

حرکت شد و برای ملتزم رکاب دعا گرفتند و در مقابل دیوارخانه

صف زده بایستادند تا اعلی حضرت شاهنشاهی شریف آوید و بجا سکون

نشستند و امواج افواج سواره و پیاده روی بر او نهادند این لاله گوهر

دو سیر ملک کنایه گشتن که مخاطب بفرمایشات علیه شد تا سه فرسنگ است
حلی شد و نهر آبی به صاف و کواری پدید گشت که از سمت مشرق جریان داشت
علیه حضرت شاهنشاه را کنایه از آب طبع طبع مبارک گشته از کارسکه مبارک
بر زیر آمده بر اسب نشسته و مسافتی خارج جاده از برای صرف نهار فرود آمدند
و چون از صرف غذا فراغت حاصل شد مجدداً کارسکه رجوع فرمودند و اگر گشت
و پشه ها به راه عبور فرموده بچکه رسیده بجماعت بغروب شده بمنزل شهر
ورود از زانی و شمش شب بعد از شام با حضار اعتضاد الدوله و دیرالملک
اشارت رفت جنابان معظم الیهما بخاکهای پهایون مشرف شده و تا پنج
رفته خلاصه عراض میرزا مسیح و زیر یازده راترا از لحاظ نظر انور پهایون گذرانده
احکامات لازم در آستان شرف صدور یافت و چون بهمت چپ پهلوی
مبارک را اندک دردی عارض نشده بود این بنده با شاره حکیمباشی طلزان
بادمان مرصیه اندک تدبیر نموده و شام شاه با آرامگاه خرامیدند و بوی امرو
چون خالی از حدت حرارت بنود فی الجمله اسباب نعمت و کمال و جو
مبارک شده بود و بجماعت تعالی درین شب بصحت و راحت مبدل گشت

محمد حسن خان تشنگه از خاصه پدر محمد علی خان چنگه دست خاصه که در قدسگاه
به تب طبقه مبتلا شده بود بر حسب امرهای یونان او را بر تخت نشاند و بدین منزل
کوچ داده و با طبایعی طهرم رکاب امر شد که سماعی جمیل و اهتمام کامل
در علاج او مرعی دارند حاجی سلیمان خان حاکم که بهیچکسین فدا شکنجاری
فاخر خطیرهای یونانی را قرین مسرت داشته بود درین منزل که آخر خاک نشان بود
بشمول عواطف ملوکانه و اعطای یکتوب جنبه ترکیب شیرینی حاشیه ارمیتان
قرین مسامحات و اقبای زاهد

از قدسگاه الی دیز آباد چهار فرسنگ است و راه جنوبی الی مشرق کوه در رو
و قدسگاه تمام مسافتی از سمت شرقی نهمراهی دارد و پس از آن تمام راه جلگه میشود
و در او کوه و کتلانیست و چون از خط مستقیم خارج و به سمت تربت واقع است
از راه در رو دیگر سنکها دورتر است آب رودخانه که این منزل بآن
مشروب است اول آنی است که بحسب یکی و سلامت و خوشی و غذایت
در تمامی مملکت خراسان اشتها ریا فیه در مجاری این آب گاه گاه سنک
یا قوت یافته اند ولی سنک درشت مرغوب پیدا کرده اند و محتمل است که هرگاه

ابتدای این معدن را میانه زمین است که منافع زیاد تواند حاصل نمود
و دلت واقع سمت راست بدیو جاست و دلت آباد است
حسین آباد کلاته دوشیر جهان آباد و فخر آباد
احمد آباد و میرا باد سفلی این قرا تمام آباد و معمور و خرد
نیشابورند و درین قریه اخیر چمن زار و مرغی نیکو است و نیز درین سمت
غربی مایل بجنوب سه قریه از محال تربت بمسافت سه چهار فرسنگ نمایانست
که عبارت از بررس و بلوهر و کدکن باشد و دلت واقع در
جساراه ازین قرا است تحت و رتقیشین خوشان
و دامن کریمین کزونه چاران و میرا باد علیا
دوازدهم شهر صفی شریف فرمالی اردوی جهان
بشرف آباد

درین روز و ساعت از طلوع آفتاب برآمده کوکبه جلال بفرارند و متعلا
باشوکت و اقبال تمام سمت شریف آباد پی کیش شد امین الدوله
حاجی سلیمان خان قاجار و راول سواری مورد فرمایشات و اوامر ملوکانه

از دیار آوالی شریف آباد چهار فرسنگت راه بایل بمشرق شمالی است
یکفرسنگت نیم که از شریف آباد میگذرد قلعه قهر د او د است و او قلعه است
محکم که قریب صد خانوار رعیت دارد و دیکتا قلعه کاروان سرائی است از راه
سف که زوار و قوافل از قندهار بدانجا آیند و شب توقف نمایند ازلی این قلعه
انما و د کورا به بیع اجمال و خوشتر اندام و زیارت ایشان اغلب می
و محتاج آب نیست

قصبه سیوه زن در میان دره طویلانی پرب آب و اشجار واقع است و قریب
پنصد خانوار رعیت دارد و متعلق است بجای صطفی قلی پسر دربان باسی حضرت
فیس آثار و با مسجدی است که با چوب سنگ ساخته شده اند و خانها باقی
پانزده ذرع واقع و از دویست آن دو چشمه جاری است از قصبه میان تاسا
بنیاد آن بشا خانی سبزوئی است لوان طراح شده خزان و مقصود
از خاک و سنگ جانی نمودار نیست بی شک اگر طبع عنود و مشرک جهود را
این خانه شهود شدی بجزر عیان بی حاجت و حجت و بیان اسرار وحدت و
آثار قدرت رامیترین و سهل دیدی یکفرسنگت سیوه زن که شش بی

موسوم به بهار که در روی تپه واقع و خانه های دهقانی او را دو مرتبه در بهار
بر روی یکدیگر ساخته اند بخوبی که از دور کمال شکوه و نمایندگی دارد و در دامنه ^{این}
قریه چمن و بیستان و صطرح آبی در نهایت با صفا و روح است این قریه
بیشتر متعلق بدربان با شتی است

قریه شریف آباد از دهات آباد و معتبر است و او را قلعه و کاروانسرای ^{بسیار}
که اسحق خان قرانی ساخته و قریه را وقف تعمیر کاروانسرا نموده است شریف ^{آباد}
باغات متعدده و یک قنات است که زیاده از یک سنکس آب دارد
پایتخته نیز در هم شهر صغیر شریف فرمالی ^{موسکب} منظر لطیف
درین روز به هنگام صبح چون خورشید و خاوری با استقبال ^{موسکب} منظر خوشه
روی زمین را از اشعه نور جمال خویش بیاراست شاهی شاه ایران پناه از تکیه کا
سلطنت به پیرون توجه نموده و بر اسب عربی تیمور میرزائی طلوع اجلال فرموده
با مخصوصان درگاه و ملزمین رکاب جهان پناه از هر مقوله فرمایشات ^{ملوکات}
و صحبت شاهنشانه در میان آورده تخصیص امین الدوله و اعطاء الدوله و ^{ملک}
و امین الملک را قرین افتخار فرمودند و از آنجا که راه امر و زیاده وجود تعمیر نمود

سپهسالار را بی سخت و پشنگ و با پست و بلند می بسیار بود و عبور
کامال و کشت اشغال داشت خواجہ سرا یا نرا امر و مقرر شد که نادان
حرم بخلالت اسواره عبور دیند و کالسکه و تختیار با توپخانه بهمار که از راه
زیر دست شد بنیابا و که قدیمی مولانی ولی سطح تراست حل نمایند و داشت
والا نهغات بنمایونی خود نیز از کالسکه باست جوع فرموده و از راه ^{بافت}
آباد تشریف فرما شدند و دو دینک کشته باط خرابه موسوم بر باط
قلب در فراه نمایان گشت که در دوالی آن دوسه تختیارهای چینی بنویسند
بود چون این مکان قابل تعمیر آید از جانب کسلی بخواست و بخواست
تجدید آبادی باط مزبور شرف دهد و یافت اندکی فاصله از این چمن را
چادری می نهادند که در حرم واقع شده بود حضرت شایسته ای را اینجا میرسانند
فرموده در صحرا بجهت صرف نهار فرود آمدند و چون بموافقی بجمعه حرات
و شجاعت داشت اندک زمانی مکث فرموده و براه عود فرمودند درین راه
بعضی از غلاب شیوخ و بقایان چنانکه رسم مالی خراسان است در هر چند
قدم فاصله این سمت و آن سمت جاده چوبی برپا کرده و یسانی بر آنها کشیده

کلام الله مجید را از وسط آن آویخته بودند شایسته اسلامیان پناه همه جا
بمانیت خالص و قصد صافی از زیر قرآن عبور نموده و متصدیان این امر خیر را
خزای خیریل عنایت فرمودند بابت سلام رسیدیم و کتب بدین مبارک شایسته
کشور ما مستنسیج دو خط رسالت حضرت علی بن موسی الرضا علیه آلاف
التحیه و الثناء نمودار گشت و غلغل و جد و سرور در خاطر ما افکند حضرت شهباز
و الالباق را بعضی آنکه نظر مکتب مطهر افشاد فی تحقیق حالت همایونی در کون
بی احشیا را از اسب نیز برآمده و از دور آن فرقد پر نور را زیارت فرموده از شکر
بوصول این نعمت عظمی و حصول این سعادت کبری در حضرت کبریائی بنامند
در اینجا شایسته هزاره اعظم حلال الدوله حکمران مملکت خراسان و حاجی بها الله
و حاجی شریف خان پیکر سبکی و حاجی میرزا محمد رضائی ستوفی با سواره
شاهسون افشار و غیره که برسم استقبال و زیارت رکاب قمر مثال آمده بودند
بمضور مهر ظهور حضرت شایسته ای شرف بسته هر یک بفراخ و حال خاصه
شایسته هزاره پهل تبلطفات و مراحم خدیو پشال مفتخر و مستعد آمدند
و بهم ملک منصور میرزا که دور و ز قبل با سپهسالار اعظم شهر رفته بود زیارت

خانکامی چایون مشرف گشته شایسته بنزاده افخم و سایر همایان نعت انصاری
یا مع بشهر گشته تا پذیرانی موکب مسعود را هدیه و آما ده شوند سه ساعت بفرق
ماده نزول جلال بطرق شد و حضرت شایسته از پنج راه و حرارت هوای
و شب و بحال صحت و سلامت با سترامت مشغول شدند

از شریف آباد الی طرق چهارون که است طرق عبارت از
سه قطعی است که متعلق است بحضرت فیض آثار و در و باب کار و انوار
بزرگ است که یکی از انوار و باندام گذشته و بموجب امرهایون شایسته
مسافر است تا در محل آن رباط سه پست می باشد که آنکس طرق آب رود
و از محال آرد و از خیال شمال مغربی می آید از شریف آباد بطرق درجوا
راه بنر قلعه رمضان خان که در سمت چپ است قریه و قصد بخو طاف می باشد
و و شب چهاردهم شهر صفر و روز و شایسته
با عدل و جو و مقصد موخود و وصول بمقصد
بعون الله الکریم لودود

درین روز که بعون الله تعالی روزی فیروز بود شایسته پدارت بخاکم

صبح بجام شریف برده سرو اندام مبارک را چون قلب شریف خویش
مصفی و از کدورت ببرد و غباری عمری ساخته دو کانه و شکرانه حضرت
یکانه را بجای می آورده و رخت تمام مرصع پوشیده بسل پرده و بوانتخاب
تشریف فرما گشته حاجی ملا نصرالدین مجتهد که از اجله علمای مشهور و شخصی با علم
و فضل و زهد و ورع است با جمعی از علماء و اعیان شهر محض مبارک شایسته
مشرّف گشته و از جانب خویش و وضع و شریف شمس حضرت همایون را
تمنیت گفته و دعای وجود مبارک بجای می آورده معاودت نمودند و شایسته
با فروجه بجماعت بطهران بسمت شهر کوچ دادند یکی از علما مان شایسته
اینانو پلکی عظیم الحجه رسید کرده بخاک پای همایون آورد و ثبات و شجاعت
او منظور نظر ملا طفتا گشته از انعامی شایان بهره و در و مفتخر گردید
شاهنشاه عالم پناه بکال سکته گشته و از زمان حرکت موکب مسعود که از اردو
شلیک بنورک شد تا ورود شهر علی الاتصال در خارج خیابان توپخانه
شلیک توپ مشغول گشته و از طرق تا شهر که بکفر سنگ و سیم است
ستقبلین از سواره و پیاده صفی ده بایستادند و راسته ایستقبلین شاهنشاه

عظم جلال الدوله و بزرگواران ایشان بزیارت رکاب مبارک کامیاب
گردیده و در مقابل عسکریه امام محمد باقر علیه السلام باین سعادت شگفته
و این شب جمایون شده سواره و پیاده شور و می و غریب اعلی و ادنی
مرد و زن دست و دسته فوج فوج از آن سعادت بانصیب گشته بطوری است
بزرگ صلاست بر پنج پهلوان و دعای شایسته اسلامیان پناه بلند
که تا کنون در هیچ زمان هیچ کوشی نشین و هیچ دیده چنین وجود و شوکت
در مخلوق ندیده از ابتدای خیایان تا چهره تا در رب و راز و اسرار
عظم رکاب از و سمت ایستاد و از دروازه تا در بسمت شمس افواج
ستون خفا زدن اقدس عاصه شده بودند و در اول دروازه پایین خیایان چتر
اقدس شهبازی با سبک کزک حسام طعنه که ثبت و یراق تمام الماس
زده بودند سوار شده و باشکوه و شوکت مالا ظلام مبارکی و اقبال و اردو
شدند و تا کین و اطراف خیایان را کسب و استغاف بقدر میوزینت کردند
و مرد و زن شهری چنان دو سمت چنان از فوقانی و تحتانی فرا گرفته بودند
که عبور و کسب منصرف استحال کلی داشت و نظاره خانه حضرت شین آثار

بشرف مقدم ملوکانه غلغله افکن طارم اعلی بود در خارج بست جناب میرزا
ناظر و تمام عمال و اعیان و خدام حضرت رضوی علیه السلام با علمها و بیداری
زنگار سرکار فیض آثار شاهنشاه را استقبال کرده در کمال آراستگی بسم خدمت
و ادب و دعا کونی بجای آوردند شاهنشاه نیز در نهایت تعظیم و توقیر از آن
فرود آمده علمهای مبارک را بوسیده و با صاحب منصبان دربار حضرت یگان
یگان اظهار ملاطفت و مهربانی کرده وارد محفل مبارک شدند و از آنجا که
احترام خانواده فضل و کرمست و سلسله علیه عدل امامست که از لوازم
دین حسین است همواره منظور خاطر مبارک پادشاه و شاهزادگان است
محض خلوص نیت و پاس شان و مرتبت حضرت امام علیه السلام در اول
ورود بصره تبریکه حقیقه مکلن بالماس که از اساس سلطنت است از تارک مبارک
برداشتند برسم پیشکش در آستان حضرت خلافت تقدیم فرمودند و اکنون
همان حقیقه بصری مظهر منصوبست و خود با کلاه ساده چون سایر زائرین در نهایت
ادب و حرمت و کمال خضوع و خشوع از صحن شریفه گذشته داخل روضه
منور شدند و چون جبهه مبارک را که تاج تارک آسمان به چشم بود بجا که آستان

این قبله ششم مشرف به خشدینان حالت ورقتی بوجود مبارک است
که قلم از تحریر و توفیق آن عاجز است چنانکه خود حضرت شامشاهی روزی
مخصوص بمایونی که به دستخط شریف مرقوم فرموده میفرمایند.

بعد از برداشتن حقیقه و تقدیم آن داخل صحن
شدیم عیسی داخل بهشت گشتیم از آنجا صحن
بصحن اطاق باطاق تا برواق و روضه مطهره
مشرف شدیم حالتی روی داد که بوصف نمی آید
خداوند انشا الله نصیب همه مسلمانان

ازین حکایت خسروانکه که محفوض یادداشت خود مرقوم فرموده اند علوم
میشد که زیارت حضرت امام تأیید آید در وجود بیایون ظل الهی تأیید
بالمعز چون لوازم زیارت و دعا با تمام آمد سرکار شامشاهی تفریح مسجد
کو بهر شاد تشریف برده و بهر مقبره مرحوم مغفور و بعد بهر وظایف
شاه آمده و فاتحه خوانده از در بالا خیابان بیرون آمده سوار شد در عیان
و ارکان چاکران درباری پیاده ملازم رکاب حضرت شامشاهی

از باغات محله سرب که شش بهار کی و اقبال بارک همایونی تشریف رود
از زامی و شش حاجی قاسم تاجر طهرانی و حاجی جبار تاجر تبریزی که از اعظم تجار
متوقف شدند با تمام تجار از درب بارک تا داخل عمارت مخصوص همایونی در
شاهنشاهی زیچ و راست شاهنشاهی شیرازی و شیرازی و شیرازی و وجود مبارک
اقدام نموده مورد توجهات شاهنشاهی شد و آردوی کیوان پوی در خارج
ارک در حال نظم و آراستگی متوقف و سکون گشت و زراد و اعیان در داخل
شهر منزل گرفتند و فرخ خان امین الدوله از برای انتساق و استقامت اردو
بموجب امر قدردان سپه و شکر مسکن گردید ذات والا صفات همایونی اند
در جو خجانه عمارت استراحت فرموده و تا هنگام غروب مشغول صدور حکام
و جواب عرایض جناب ستونی الممالک شده و بجز خجانه مبارک
تشریف فرما گشت

از طرق الی شهر کیمر سنک و نیم است در اطراف راه از دور قرار و مزارع
متعدده نمایان است و لی در نزدیکی جاده جبر عسکریه امام جمعه مرحوم که نیمه سنگی
شهر است و کاروانسرای بابا قدرت که در جوار شهر واقع شده و قافله از آنجا

قریه و قصبه ملحوظ میشوند

شهر مشهد که امروز از زمین بقعه منوره مبارکه امام ثامن خا من علیه آلاف التحية والثناء در شکست بهشت برین و نیکوترین شهرهای روی زمین است از شهرهای بسیار قدیم نیست بلکه مدینت و اعتبار آبادی آن از زمانی است که قبر منوره و روضه مطهر جناب امام علیه السلام در او واقع شده است چه در زمان قبل بر آن پای تخت مملکت خراسان شهر طوس بوده و او چهار فرسنگ با شهر مشهد فاصله دارد و این شهر از آن زمان تا کنون نیز مرکز مورد تافت و تاراج طایفه ضاله تراکه و افغان و نهب غارت ایشان شده و بدین سبب آبادی آن همواره بتأخیر افتاده است درین عصر که از میان توجهات بهایون خسروان از اغلب زمین آباد تراست مشتمل بر بیست هزار شمشیرخانه و قریب بیست هزار سکون دارد از آثار صنایع بنائی و معماری قدیم که در او مشاهده می شود منحصراست بصحن مبارکه و مساجد تبرکه و مناره های منوره که انشاء الله تعالی تفصیل هر یک مذکور خواهد شد از این املیه عا لیه که نشسته عمارات و بناها شهر چندین تعریف و توصیفی ندارد و شرح صحن مبارکه و عمارات آن در

سطره و غیره بدین موجب است

صحفهاست مبارکه

صحن بزرگ که در طرف شمال و پشت سر حضرت واقع است معروف بصحن
عقیق نصف آن که در سمت کنب بد طلاست از بناهای امیر علی شیر وزیر شاه
سلطان حسین بایقراست و نصف دیگر که سمت ایوان شاه عباسی است بنمای
مدارس اهل سنت بوده معروف شاه عباس ثانی بر صحن افزوده و این صحن را
چند دراست در می بنجایان بالا و در می پائین خیابان در می بازار
بزرگ در می بازار بزرگان که از بنای امیرزا فضل الله وزیر نظام است
در می سمت قتلگاه که بد بازار آقاچه معروفست حجرات واقع درین صحن
فوقانی و تحتانی است و آنچه از بناهای آن که باسم و رسم است ازین قرار است

ایوان طلای نادری که بنامی آن از ایوان شاه عباس مقابل ایوان طلا
امیر علی شیر است و طلای آن که کاشی کاری آن نهایت امتیاز دارد

از شاه از این یوان در بار سپید
 و در بی تو حید خانه میرود و گوشت اینجا
 مبارک که درین یوان است و درین این که در آن مدرسه بزرگدسته طلای
 ایوان کفشکن است یکی کفشکن بالاکه نام و درنی آثار می باقی نیست قیام
 بقا خانه و دار استیاده میرود و در
 بکده دسته طلای عباسی و از و در
 کفشکن پانین بکند الله و در نی جان کرده است
 که در بد و امیر بجای کرپسرونده و پله و پله
 مثنی میشود

مدرسه میرزا جعفر که از بنام می بیست
 عالیله و در عهد او زبکیان حش کشیکخانه مؤلفان کتب خانه ایام
 شده است و در کتب یوان قبلی آن کشیکخانه و در بان مجسم خانه حضرت
 اسم شاه سلطان حسین ضابط است
 ولی معلوم نیست که مرحوم سلطان حسین
 بانی این بنا بوده
 حرمه میرزا حسین
 وزارت
 دارالتولیه عضد
 الملک

سمت خیابان پائین بالای درپائین ستاقانیه و بطن موصوم بقاخانه طلا که
خیابان نقاره خانه حضرت است سنگ آب از در عهد نادرا آورده اند
که مرحوم حاجی قوام الملک تمام اصل عمارت و طلا می آید امیرعلی خان طلا
نموده در عهد خان غلامشیمان ساخت

صحن جدید که صحن مشرقی باشد معروف بطن خاقان که در پائین پای حضرت
واقع است و اصل آن از بناهای خاقان غلامشیمان است کاشی کاری آن که
در کمال امتیاز است از مرحوم حاجی میرزا موسی خان و از ارئه سنگسازان قدس
از مرحوم معزی الیه و قدری از میرزا عبدالباقی منجم باشی و اتمام آن از میرزا
فضل الله وزیر نظام شده حوض وسط نیز از مشارالیه است و آن صحن را
چند در است در می مقابل ایوان موصوم بدخترانخانه در خیابان پائین
در می بازار زرگران در می بطرف مقبره مرحوم شیخ بهائی عمارت و
در صحن علاوه بر عمارت تختانی و فوقانی که محل توطن طلاست از انبیا است

ایوان طلای مبارکه ناصری اصل بنای آن

از خاقان مغفور و طلا آنرا بر حسب مشافهت
کارخانه و شریفی

جماه مرحوم میرزا محمد حسین عضدالملک
خدا م

ایام حکومت حاکم سلطنت از منافع ملکی
وسط از بتای حاج

حضرت فیض آثار صاحب است و ازین ایوان
میرزا محمد رضا

دری بدار السعاده است و در جنبه این
ستون ۱۲

و کفشکن است که بنحو ایوان مثنی میشود

صحن جنوبی که در مقابل حضرت واقع است مسجد کوهر شاد است که یکی از
بنای بسیار عالی و معروفست خاصه کاشیهای معرق و غیر معرق آن

باصنای بسیار ممتاز میتواند بر برتری کند و بانی این بنای عالی کوهر شاد

عروس امیر تیمور کورکان است و درین صحن چهار ایوان و شبستان است

در و ب آن از این قرار است درمی بازار بزرگ درمی بچو طه معروفست

پا که مقبره مرحوم شیخ بهائی است درمی سمیت خانه حاج میرزا موسی خان

دوری قسلی که بمعبر عام میرود و اسامی یوانها بدین موجب است

ایوان مقصوده با کتب بسیار عالی

و دو کله است بلند کاشی قهوه‌ای این یوان

دوازده ذرع و ارتفاع آن پست پنج ذرع

نیم و طول آن سی و چهار ذرع است

ارتفاع کتب که در وسط آن واقع است

چهل و یک ذرع و قطر بی یوان پنج ذرع

و ارتفاع هر یک از کله‌ها چهل و یک

ذرع است و نیز ارتفاعات این یوان

آنچه از سینه مشهود است که بنای آن

شده الی حال پس چون محتاج تعمیر گشته مسجد پیروزان

عمار است رواقی مظهر

سمت غربی که بطول واقع شده سمت شرقی دارالسعاده است که از بناها
دارالسعاده است که از نمته میسیه کوشاید اصفالدوله است پائین پامی حضرت
و از نمته بقاخانه و ایوان طلای نادر واقع است بالا آن محوطه پائین سمت
مشی می شود از بناهای کوه هر شاهستان پائین آن ایوان طلای ناصر

سمت شمالی تو حیدخانه
میان غرب و شمال سقاخانه و راه رود
کله سته طلای شاه عباسی است

سمت جنوبی دارالمخفاط که سمت میان شمال شرقی کتاخانه حضرت کینیه
بالای آن حرم مطهر است سمت پائین اقد و یروینان است این کتب بقوی
ایوان مسجد کوه هر شاه این بنای عا که سابق گریاس حرم مطهر بوده از بنیه
تیز از کوه هر شاه است و آئینه کار اقد و یروینان بیکری فارسی است که
اترا نواب حاکم السلطنه در زمان صفویه ساخته شده و کاشی کار
کرده است آن در کمال اعتبار است

میان شرق و جنوب در رتبه علی بن قلی است سمت میان جنوب و مغرب
که در او میرزا علی رضا میستوفی همانجا استخوانهاست و سحر بلخانه
محقق می باشد است در حقیقت این سحر فراستان که در هر دو از دارا کفایت
مال حیات کشیکخانه است در معلومی آن است
کشیکخانه خدام و قهوه خانه و راه رو کشیکخانه
معروف بکنبند او یکت میرزا و خزانة
که در آن از دارا کفایت است

حرم مطهر حضرت امام هشتم علی بن موسی رضا علیه آلاف التحية والثناء
محل است مربع که در وسط اعلا می آن ضریح منور حضرت امام علیه السلام است
چهار دیوار این بنای عالیقدر از قرار معروف از بناهای سنگی است
کو باری و زی ازین زمین بهشت این عبور کرده و واقعه خارق عادی مشاهده
فرموده سبب آنرا از برهمنی دانا چو پاکشسته از اخبار معلوم نموده که درین مکان

مدفن یکی از اولاد خاتم پیمبران خواهد شد پس نذری بخاطر گذراندن و
بعد از وصول بمطلب چهار دیواری محکم در آن محل برپا نموده که تا کنون بهمان
اسم باقی است تا رون در زمان خلافت که غالبان خراسان و ماوراء
نهر
مشریعت می داشت و مرو و سرخس و اراک خلافت بود و هوای طو سس را
لامتم حالت و مناسب اقامت دیده روزی از طو سس بآن محل رفیع آمد
و این بنای منیع مشاهده نموده از حقیقت آن جو پاکشده حکایت که
باز شنید گفت انیک منم آن شخص که از خانواده رسالت و خلیفه پیمبرانم
و این مکان از برای مدفن من معین شده پس امر نمود که بر آن چهار دیوار
عالی بنا کردند و چون بعالم دگر رفت جسم او را درین محل دفن نموده از آن
پس در زمان خلافت مامون روح پاک و کوهر تاباک امام علیه السلام و قریه
سناباد که بنور بعضی از محلات شهر مشهد بآب آن قنات مشروب است
بعالم قدس و مرکز اصلی خرامید با شارت مامون الرشید جسد مطهر را درین
سجائی که بالای سر تارون است بنجاک سپردند و غبار آن سنگ از آفتاب می دیدند
رضوان کردند و چون بمقبره تارون در وسط واقع بود لا بد ایستای مرقده بر تارون

بالا تر از آن باشد پس صندوق مبارک بقسمی واقع شد که وسعت سمت بالا سر
بسیار کم و نزدیک به یواکشت مرحوم مغفور شاه عباس صفوی رحمه الله علیه
این کتب به مظهر اظلام نموده و داخل کند مبارک را در عهد شاهنشاهی جمجاه ^{لحم} ^{لحم}
پناه میرزا صادق قائم مقام آینه کاری کرده است کاشی از آره وسط به
که سرکوب چینی فقور است دو قسم ساخته شده قسمی در کتیبه که خطوط رقا
و ایلیمی چربسته دارد و میتوان دعوی کرد که تا امروز چینی باین صفا و صنعتی باین
دقت نشده است و بگفته های ممدس سفید است که با خطوط طلا بایست
و احادیث رین یافته آنچه تحقیق پیوست خمیره این کاشی اعلی از معنی
که بالفعل در نواحی مشهد موجود است حاصل میشود محرم مظهر از دست یکی
سمت پشت سر و دیگری از سمت بالا سر و فضای شاه نشین باینست
که اولی مسجد زنانه و ثانی را که مرحوم محمد ولی میرزا ساخته است مسجدشان
موسوم و معروفست و از این دو مسجد یکدیگر راهی است که آینه کاری از آینه ^{تقلید}
بیشتر پیمان نموده اکنون محل نشستن قراء کلام الله ضریح مظهره مربع
طولانی است سطح آن از خشت های بلور مفروش است و او را سه ضریح است